

هنگامه

«سالهای گمشده»

نویسنده: اعظم توکلی

ویراستار: سپیده کوشش

انتشارات آوای رعنا
دفتر مرکزی:
تهران، میدان انقلاب، تالار بزرگ کتاب،
طبقه ۱، واحد ۷
تلفن: ۶۶۹۶۹۶۷۰
مرکز پخش:
مشهد، خیابان جنت، پاساژ جنت،
طبقه پالین، شماره ۶
تلفن: ۲۲۳۱۳۳۱۰، ۲۲۳۰۵۲۳۰
همراه: ۰۹۱۵۱۱۰۳۵۳۷

عنوان:	هنگامه (سالهای گمشده)
نویسنده:	اعظم توکلی
ویراستار:	سیده کوشش
ناشر:	آوای رعنا
اجرا:	زهرایی ۰۹۱۵۵۰۵۴۰۶۱
نوبت چاپ:	اول / شهریور ۸۴
تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
قطع:	رقعی
قیمت:	۴۸۰۰۰ ریال
چاپخانه:	دقت ۳۴۱۹۵۶۰
شابک:	۹۶۴ - ۹۶۲۹۰ - ۴ - ۱

توکلی، اعظم ۱۳۴۶	هنگامه (سالهای گمشده) نویسنده اعظم توکلی... مشهد: آوای رعنا، ۱۳۸۴
۶۳۱ ص	ISBN: 964-96290-4-1
۴۸۰۰۰ ریال	فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا:
	۱. داستانهای فارسی... قرن ۱۴، الف. عنوان. ب. عنوان: سالهای گمشده.
۷۹۹۴ PIR ۷۹۹۴/۵۶۴۵۹	۸/۳۶۲
۱۳۸۴	
کتابخانه ملی ایران	۵۸۴ - ۱۹۵۰۳

وتمه

سالهاست که نوشتن با روحم عجین شده است و چون یک دوست، مونس و یار یک یار صمیمی مرا ترک نمی‌کند. هنگامی که می‌نویسم، احساس می‌کنم از هیجانات و افکار پراکنده و موزی درونی رها می‌شوم، هرچند گاهی، نیز از نوشتن رنج بسیار برده و دچار ناملایمات ناخواسته فراوانی گشته‌ام، تا آنجا که احساس کرده‌ام قلبم بی‌کینه بر نیزه رفته است و انگشتانم به جرم نوشتن شکسته است. زیرا به قول «مولانا»:

هر کس از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من
با این وجود رنج نوشتن به روحم جلای خاصی می‌بخشد که ارزشی ویژه برایم به دنبال داشته است. من از نوشتن آموختم؛
— روح آدمیان زوایای روشن و تاریکِ ناشناخته بسیار دارد و گاهی در زوایای تاریک آن ابلیس پیروز مستیِ آشیان گرفته است!
— گاهی توانسته‌ام دردی را از مخفیگاه تیره روح بیرون کشیده، آن را لمس کرده و همراه آن بگیرم و آن هنگام دانسته‌ام انسانها در پشت ظاهر خود می‌توانند چه حجم وسیعی از «فریاد» به همراه داشته باشند و البته گاهی نیز شادی زودگذری چون «نسیمی فرحبخش» روح زندگی را می‌نوازد و...

- من دانستم انسان تقریباً تنها موجودی است که گاهی از عمق وجود می‌خندد! زیرا عمیق‌تر از هر موجود دیگری رنج می‌کشد!! ولسی با این وجود از انسان بودن خود نیز به همان اندازه می‌تواند شاد باشد.

- من صدای بیداد زمانه را در حق بی‌ریایی کودکان یافتم! و گاهی حتی صدای شکستن شیشه دل فرشتگان زمینی را نیز به گوش هوش شنیده‌ام!!

- من دخالت نابجا و غیر عادلانه سنگ را در سکوت شیشه دیده‌ام، و دانستم سنگ را فقط با «سکوت و صبر و اراده» باید شکست!

- من دانستم: «دل سوخته را طاقت تازیانه بسیار هست!!»

و از: «کُل چهره سوخته «هنوز» طلب طراوت می‌رود!!»

و...

به فرموده پدر ارجمندم:

خدایا تو را سپاس می‌گویم که عشق ورزیدن را در وجودم به ودیعه‌گذاری و در دل دوزخ «دنیا» بهشت جاودانم «خانواده‌ای نیکو» بخشیدی، گرچه از نعمات این خلد برین به چند «سیب بهشتی» قناعت کرده‌ام!

در اینجا لازم می‌دانم از دوستان و عزیزانی که از راه دور و نزدیک بعد از مطالعه رمان هما «ناگفته‌های دل» نسبت به اینجانب لطف داشته‌اند و دعای خیر بدرقه راهم کرده‌اند، صمیمانه تشکر کنم و همین برابرم کافی است!

اما خودم:

با روحی رنجیده ولی قلبی پُر از مهر، آنجا که به دلایلی زندگی‌م در معرض آماج تیر بود با اراده‌ای محکم در مدت تقریباً یک سال «سالهای گمشده» را نوشتم، زیرا قلباً معتقدم:

... همه ما انسانهایی آزاده هستیم و روی این کره خاکی به صورت روحهایی
تجسد یافته ظاهر شده‌ایم تا:
- نیلوفر از شانه‌هایمان بالا رود،
- تافرشته‌ها از ما درس نیکی بگیرند،
- تا «عشق» را معنا بخشیم و به نفس کشیدن «زیستن» را بیاموزیم و به گل
سرخ، عطر و بو هدیه کنیم و بدانیم صفاتی که می‌توانند انسانیت را معنا و مفهوم
ببخشند:

ایمان به خداوند متعال، «عشق به آزادی، حُسن خلق و دلی بی‌کینه» است.

اعظم توکلی

۸۳/۲/۲۴